



بنام کردستان بزرگ

Under Name of Great Kurdistan

دوستان عیب نکنند که چرا دل به تودام!
باید اول به توگفتن که چنین خوب چرائی؟

کتاب کرد و کردستان

نویسنده: واسیلی نیکیتین

قونسول روسیه در ارومیه

1915 - 1918

عضوانجمن آسیایی وانجمن نژاد شناسی پاریس

عضو دائمی موسسه بین المللی مردمشناسی و

عضو وابسته آکادمی سیاسی - بین المللی.

مترجم: محمد قاضی

1363

گودآورنده
سرهنک چیا

فصل یازدهم

زندگی معنوی کردها- مذهب

1 . جنبه مذهبی بودن کرد .

ما در طول فصلهای پیشین تمام هم خود را بر آن مصروف داشتیم که فرد کرد را در محیط خانوادگی عشیرتی خویش به شما معرفی کنیم، و کوشیدیم تا از رویه و برخو

رداو در رویارویی با مسائل ملی و سیاسی آگاه شویم. اینک امیدواریم ازعهده این مهم برآمده و توانسته باشیم خطوط برجسته ماهیت این ملت را روشن نماییم، ملتی که نمی تواند شخصیت بارز او را - که با وجود همهء فرازونشیبهای تاریخ پر حادثه اش موفق به حفظ آن در طول قرون و اعصار شده است - انکار کرد، ملتی که ملتی که همین تاریخ پر تلاطمش به او امکان نداده است دولتی ملی خاص خود به در وجود بیاورد.

در تجزیه و تحلیل زندگی کردان از جنبه های مختلف، بارها فرصت یافته ایم به نقشی که اسلام در آن بازی کرده است اشاره کنیم. دیدیم کردها پس ازآنکه باشور و حرارت تمام در برابر حملات اعراب مسلمان مقاومت به خرج دادند دست کم در شخصیت روسای خویش بدین تازه گرویدند و با آن هم پیمان شدند، به خلفا خدمت کردند، شرکت فعالانه ای در جنگهای صلیبی نمودند (صلاح الدین) تمدن اسلام را پذیرفتند (مروانیان و شدادیان و غیره)، و درجنگهای ترکیه با ایران درقرن شانزدهم به صفت سنیهای ترک علیه شیعه های ایرانی پیوستند و بعدها هم به صورت آلت بی اراده ای در سیاست اسلام پراکنی سلطان عبدالحمید در آمدند.

دراین صورت، ناگزیر به ساده کردن مطلب میکوشیم و خودرا تنها به شرح این نکته محدود می سازیم که کردها نیز مانند بسیاری از ملل دیگر شرق با پذیرش آیین اسلام گذشتهء مذهبی خود را رها کردند و زندگی معنوی ایشان در زمینهء مذهبی کاملاً به زیر سلطه و نفوذ آیین بیگانه ای افتاد، آیینی که بدون داشتن هیچ گونه سهم اساسی درنبوغ این ملت گرایش به سازگارکردن ایشان با خود و ادغام در خود داشته است.

درعینحال، خوشبختانه وضع واقعی چنین هم نیست که گفته شد. همچون دربسیاری از زمینه های دیگر که در آن کند و کاو کرده ایم کرد در زمینهء مذهبی نیز فردیت مشخص و یا به عبارت دیگر شخصیت بارز خود را حفظ کرده است و ما اینک در این فصل میکوشیم که این نکته را به خواننده نشان بدهیم. بنابراین بدوا بشرح نفوذ اسلام به همان نحو که در میان کردان تجلی کرده است می پردازیم؛ سپس به ذکر آیین یزیدی به عنوان مذهبی ویژه اقدام می کنیم؛ پس از آن، طریقت اهل حق را که منحصر به کردان نیست و لیکن عدهء زیادی از ایشان به آن گرویده اند شرح می دهیم، و در خاتمه، چند کلمه ای هم در بارهء خرافات رایج و اعتقادات تودهء

عوام می گوئیم که به هر حال بررسی آن را نمی توان از بررسی مجموع زندگی مذ- هبی یک ملت حذف کرد. در حقیقت وقتی که اصول دینی و آداب مذهبی مطرح شده در کتابهای مقدس و مورد تفسیر علمای الهی در انحصار برگزیدگان با سواد باقی مانده است توده عوام، ضمن پیروی از مقرراتی که آن برگزیدگان به ایشان تحمیل می کنند در عین حال بر زمینه کهنه ای از آداب و سنن قومی و اعتقادات عوامانه زندگی می کنند که نسل به نسل به ایشان منتقل شده است و آنان شاید خود را با آن معتقدات بیشتر و بهتر تطبیق می می دهند تا با اصول و قوانین رسمی مذهبی. این فکرهای کهنه که در اعماق دل و جان توده ها ریشه دوانیده است فی نفسه فا- یده نکار ناآذیری هم دارد و آن اینکه محققان امکان می دهد نقاط نشانه و معیار های مقایسه در آن بیابند، و در ضمن، بعضی جنبه های کشف نشده زندگی معنوی در محیط مورد نظر را آشکار می سازد.

2- رویه کردن در قبال اسلام.

پس از ذکر آنچه گذشت اکنون بکوشیم در وهله اول به تشریح رویه کردن در قبال اسلام یعنی در برابر دینی بپردازیم که دین اکثریت ایشان است. ما قبلا در طول فصلهای پیشین (به ویژه در فصل هشتم) فرصت بیان این مطلب را پیدا کردیم که اسلام به میزانی وسیع موجب تحول تاریخی ملت کرد بوده و در دامان خود، هم مومنان بیشماری را پرورده است که همواره حاضر بوده اند به نام آن و برای اشاعه آن بجنگند و هم مردان مومن و پرهیزگاری را عرضه داشته است که اسلام را دستور و قاعده رفتار و کردار خود می کردند و تعلیم اصول آن را به دیگران وظیفه دینی و دنیایی خود می دانستند، از جمله مثلا می توان از مظفرالدین حاکم موروثی بیگ تگینی هولیر (اربل) نام برد. کتاب **شرفنامه** نیز مثالهای زیادی از شخصیتهای کرد به دست میدهد که هر چند شاید با شور و شوق حاکم اربل - که هم اکنون به نامش اشاره کردیم - فضایل و ملکات اسلام را در میان مردم رواج نداده باشند لیکن کمتر از او هم در اسلام پردتی متعصب نبوده اند و همه بانی مساجد و مدارس دینی (مدر سهه طلاب) و واقف موسسات خیریه و غیره بوده اند.

الف. برگزیدگان متبحر در اسلام.

اینک به ذکر چند نامی در این زمینه می پردازیم که موید گفته ما هستند. بدوا و مقدم بر هر کس شایسته است از عمل اسلامی **صلاح الدین** یاد کنیم، هر چند

فعالیت‌های این کرد بزرگ در خارج از کردستان صورت می‌گرفت. از جمله شهر قاهره بود که او چندین مدرسه ساخت یا احیا کرد و یک خانقاه و یک بیمارستان بنا نمود مانند مدرسه قرافه کبرا و قرافه صغرا در نزدیکی مرقد امام شافعی؛ مدرسه معرزیه در نزدیکی مرقد منسوب بامام حسین؛ مدرسه زین التجار شافعیان، مدرسه مالکیان، مدرسه حنفیان که در محل کاخ عباس بن سالار درست شده است خانقا- هی در محل کاخ سعیدالسعدا خلیفه اسمعیلی دارالشفای (بیمارستان) در محوطه کاخ خودش (رجوع شود به **شرفنامه**، چاپ قاهره، صفحات 96 97)، در بیت المقدس نیز یک مدرسه و یک خانقا به بنا کرد. از این گذشته، **صلاح الدین** همه ثروت خود را در راه امور خیریه و عام المنفعه خرج کرد. می گویند در خزانه او پس از مرگش بیش از 47 درهم نقره نیافتند.

مؤلف **شرفنامه** شرح جامعی درباره اعمال خیریه و همچنین راجع به آثار فرهنگی اسلامی انجام شده در بتلیس توسط اجداد و شخص خودش بدست میدهد که از جمله عبارتند از شش مدرسه به شرح زیر: مدرسه اخلاصیه (شمس الدین مولانا محمد شیرانشی از فقهای زمان و متبحر در علم نجوم در آن تدریس می کرد).

فهرستی که به شرح مذکور در فوق تنها به کمک **کتاب شرفنامه** تنظیم کرده ایم مسلماً فهرست جامع و کاملی نیست، لیکن برای نشان دادن این مطلب کافی است که در قرن شانزدهم کردستان از لحاظ احداث موسسات درس و فحص و مراکز زهد و عبادت و تحقیق و تتبع در علوم الهی از هیچیک از مناطق دیگر اسلامی دست کم نداشته است. از طرفی، من در گزارش خود به گنگره شانزدهم بین المللی مردم شناسی در بروکسل، در 1935، تحت عنوان تحقیق در طبقه بندی فولکلور به کمک یک فهرست اقتصادی - اجتماعی، درباره **بیت مم وزین** (صفحه 9) گفته ام، تما- می آن بیت سرشار از یک روح مسلمانی بسیار قوی است. در آن چکامه در موارد متعدد دعا و نذرو نیاز ندا به خداوند بسیار داده شده و کلام مقدس سوگند به قرآن در آن فراوان دیده می شود".

در مجموعه گراورده **سوسین Socin**، که در فصل نهم همین کتاب چندین بار به آن اشاره کرده ایم، قصه ها و شعرهایی یافت می شود سخت آکنده از فکر و روح از جمله، من از بیت یا **چکامه " سسبان " Seseban** نام می برم که جنگ واقعی بین مسلمانان و عیسویان را نقل می کند و در آن از پیغمبر اسلام و علی و فرزندانش

حسن و حسین و از خالیدبن ولید و عمر بن خطاب نام برده شده است. این قصهء منظوم، همان گونه که خود سوسن می گوید بسیار عرب زده است (قسمت دوم، صفحهء 175). قصهء دیگر که آن نیز کردی است در بارهء براق، اسب سیاه رنگ پیغمبر سخن می گوید (قسمت دوم، صفحهء 192).

دانشگاه اسلامی الازهر در میان استادان خود کرد نیز داشته است. از جملهء آن اساتید یکی هم نام **عبدالسلام ماردینی** را به من گفتند که متبحر در علم کیمیا (شیمی) بوده و کتاب دستنوشته ای در این باب از خود بجای گذاشته است. خود من نیز اثری در علوم الهی که در 1934 (1352 هجری) از طرف دانشگاه الازهر منتشر شده است دارم. مولف این اثر شخصی است به نام سید عبدالرحیم الحسینی که به لقب مولوی و به نام مستعار "مدومی کردی سنه" (کرد سنندجی) شناخته شده است این مرد در اواسط قرن نوزدهم می زیست. قسمتی از این اثر به زبان کردی (لهجهء گورانی) و بقیه به فارسی و عربی نوشته شده است. و اما مصحح و ناشر اثر، موسوم به محی الدین صبری نعیمی که او نیز ظاهراً باید کرد سنندجی باشد 36 سال در دانشگاه الازهر تحصیل کرد و آثاری از ابوعلی سینا و ذکریا رازی و عزالی و غیره منتشر نمود.

ب. تسنن کردی ادامه دارد

Chia.rabii@yahoo.com

2010-07-02

مالمو سوئید

